

ساختار ذهنی ما دموکراسی نیست

گفتوگو با داکتر شریف فایض وزیر تحصیلات عالی

□ عبدالواحد رفیعی



برای وزارت تحصیلات عالی از یونسکو پانزده هزار دالر گرفتیم. ایران به ما دوصد هزار دالر داد، یعنی پولی از منابع بزرگ مثل بانک جهانی برای کمک به وزارت خانه‌ها داده نشد، بنابراین کاری هم صورت نگرفت. در آن دوره ما آمادگی می گرفتیم برای ورود به دوره انتقالی.

● در دوره‌های گذشته، خصوصاً ده سال اخیر، کابینه‌های افغانستان بیشتر سیاسی بوده تا کاری. برای بیرون رفتن از این مشکل شما چه فکر می کنید، با توجه به این که حالا هم بیشتر به نظر می رسد کابینه سیاسی باشد. مثلاً همان طور که شما فرمودید بعضی از وزرا به وزارت‌هایی گماشته شده‌اند که ربطی به رشته تحصیلی شان ندارد.

○ خوب همان کابینه شش ماه اول هم به مجردی که لویه جرگه برگزار شد کم و بیش سیاسی شد. واضح بود که کابینه مدنی و کابینه بسیار همکار هم با نزدیک شدن به لویه جرگه سیاسی می شود. این لویه جرگه تقریباً وضع کلی افغانستان را سیاسی ساخت. در اثنای لویه جرگه هم برای مدت کوتاهی کابینه شکل سیاسی داشت. اما آهسته آهسته ما به طرف بازسازی حرکت می کنیم. کابینه افغانستان به مرحله عمل وارد می شود و از سیاست کم و بیش دوری می جویم. همین مرحله بسیار مهم است. ما در مرحله بازسازی قرار داریم نه در مرحله سیاست. اگر احزاب و گروه‌ها هم در این مرحله تشکیل می شود، باز هم حواس شان باید به بازسازی کشور باشد. اگر شما به یاد داشته باشید بعد از جنگ دوم جهانی که آلمان با خاک یکسان شده بود، بعد از این که قوای متفقین آمدند به اروپا آلمان خراب شده در آن دوره یک آلمان سیاسی نبود، یک آلمان عملی بود. یک دوره بازسازی بسیار شدید آغاز شد. آلمانی‌ها عموماً صرف نظر از تنظیم‌ها و گروه‌های سیاسی شان کمر بستند برای ساختن کشور. ما هم فکر می کنیم که چند دوره را پشت سر گذاشته ایم. سه دوره ایدئولوژیکی یعنی دوره کمونیستی، دوره کم و بیش جهادی و دوره طالبان. گرچه دوره جهادی افتخار ملت بود که مجاهدین ما علیه قوای متجاوز جنگ کردند، اما روی هم رفته یک دوره ایدئولوژیکی بود. حالا ما در یک دوره سیاسی قرار گرفته ایم که باز هم کم و بیش ایدئولوژی در میان است. بعضی احزاب چون تجربه ای از دموکراسی ندارند، عملکرد اصولی شان مشکل ایدئولوژیکی دارد، با وجودی که از دموکراسی

● شما به عنوان یکی از اعضای کابینه در اداره موقت، کارنامه این اداره را چگونه ارزیابی می کنید؟

○ شش ماه اول اداره موقت دوره سنجش بود، دوره طرح پلان‌ها و شنیدن وعده‌ها بود. اکثر وزرای کابینه بیشتر وقت شان را صرف ملاقات‌ها کردند. بیشتر سفرهای ما به خارج بود و کمترش به داخل، علت هم این بود که ما باید آمادگی می داشتیم برای عقد قراردادها و تفاهم نامه‌ها، مخصوصاً در وزارت تحصیلات عالی که در این ساحه ما از پوهنتون‌های زیادی دیدار کردیم. با رؤسای مؤسسات تعلیمات عالی در امریکا، اروپا، ایران، ترکیه و بعضی کشورهای دیدارهای مفیدی داشتیم. مشکل آن دوره این بود که کسی نمی فهمید ما چه می کنیم. مردم مایوس می شدند. بنابراین هر چند ما اقدام‌های عملی صورت ندادیم، کمابیش اقداماتی صورت گرفت که نشان دهد در میدان عمل هستیم. یک تعداد از پروژه‌های کوچک آغاز شده و مثال‌های زیادی به شما داده می توانیم، اما پروژه‌های بزرگ آغاز نشده است.

دوره موقت از نظر خود بنده که در جلسات کابینه بودم آن قدر گفته می توانم که یک کابینه مدنی بود. همه با هم همکار و هماهنگ بودیم. آقای کرزی نقش بسیار خوبی را ایفا کرد. در تمام آن مدتی که در کابینه بودم، هیچ گاه این طور واقع نشد که کسی به رسم اعتراض از مجلس برآمده باشد و یا تشنج به حدی رسیده باشد که مانع حل مشکلات و صدور فیصله نامه‌ها باشد. البته اعضای کابینه واضح است که هر کدام از خود سلیقه‌ها و مواضع خاصی داشتند، اما این سلیقه‌ها و مواضع به داخل کابینه نمی آمد و کوشش می شد که همه ما در داخل کابینه نقشی را بازی کنیم که باعث ایجاد تنش و تشنج نشود. هر کس مطابق جو محتاط بود. ارزیابی من این است که کابینه شش ماهه اول کابینه ای واقعاً مدنی بود. کابینه بسیار خوب و موفقی بود. هر چند تعدادی از وزیر صاحب‌ها در مقام‌هایی گماشته شده بودند که فکر می کنم ارتباطی با رشته تحصیلی شان نداشت.

● از نظر شما چه کارهایی باید در این دوره شش ماهه انجام می شد، ولی نشد؟ یعنی به عبارتی اولویت‌ها چه بود؟

○ قرار هم نبود که کارها در شش ماه اول انجام شود، برای این که پولی از منابع خارجی به حکومت انتقال پیدا نکرد. در تمام این مدت مثلاً



عنوان کارنامه‌تان به ملت ارائه بدهید.

○ کارهای بسیار زیادی بوده، توأمیت‌هایی که پوهنتون کابل با بعضی مؤسسات و پوهنتون‌های خارج داشت، این توأمیت‌ها تا اندازه‌ای احیا شده است. پوهنتون‌های دیگری داخل صحنه شدند برای بازسازی تحصیلات عالی افغانستان. این قدم بسیار مهمی بود، یعنی تحصیلات عالی کشور ما از انزوا برآمد. امروز پوهنتون کابل خاصیت روابط بسیار نزدیکی با تعداد زیادی از پوهنتون‌های جهان برقرار کرده است. استادان پوهنتون کابل سفرهایی به اروپا، امریکا، ایران، هند، کشورهای مختلف جهان داشته‌اند. ما در تحصیلات عالی به جامعه آکادمیک جهان پیوستیم و در انزوا قرار نداریم.

حالا علاقه زیادی از طرف پوهنتون‌های جهان هست که به ما کمک کنند. حتی فکر می‌کنم قدرت جذب این کمک‌ها را هم نداشته باشیم، طوری که شاید و باید صورت بگیرد. این بسیار مهم است. زمانی پوهنتون افغانستان در انزوا تام قرار داشت و امروز ما به جامعه آکادمیک جهان پیوسته‌ایم. پروژه‌هایی داشته‌ایم؛ ترمیماتی در سطح پوهنتون کابل، پلی تخنیک مرکزی و اطراف صورت گرفته. امروز تقریباً همه مؤسسات تعلیمات عالی فعال است. ما تقریباً بیست و شش هزار شاگرد و محصل در سطح سراسر افغانستان داریم. بیش از یک هزار و پنجصد نفر استاد داریم. معاش کدري استادان را بلند بردیم، صد فی صد بلند بردیم. کتابخانه پوهنتون کابل کاملاً فعال است و پروژه‌های بازسازی زیاد بوده. پروژه‌هایی برای ساختن کتابخانه‌ها و لابراتوارها داریم. یک قرارداد بسیار مهم با جاپان برای ترمیم لیلیه انات در پوهنتون کابل امضا کردیم که مصرف ترمیم آن بیست و سه میلیون دالر تخمین شده است. جاپانی‌ها همچنان می‌خواهند شفاخانه‌ای در جوار انستیتوت طب کابل بسازند که شاید مصرف ساختن آن بیش از پنجاه میلیون دالر باشد. قرارداد آب‌رسانی پلی تخنیک، پوهنتون و تعلیم و تربیه را امضا کردیم که مصرفش یک میلیون و دوصد هزار دالر است. دپورت در سفارت امریکا قرارداد ساختن مهمان‌خانه‌ای برای وزارت تحصیلات عالی را امضا کردیم که شصت هزار دالر خرج دارد. همچنین پروژه‌های بسیار زیادی بوده که فرصت نیست نام ببرم.

● در داخل پوهنتون به نظر می‌رسد از سوی رؤسای پوهنزی‌ها اعمال سلیقه‌ای نسبت به رفتار محصلین وجود دارد. مثلاً بعضی از محصلین شکایت می‌کردند که رؤسای بعضی از پوهنزی‌ها آن‌ها را بدون ویش بر سر درس نمی‌گذارند. آیا کدام سیاست خاصی در ارتباط وجود دارد؟

○ ببینید، وقتی ما می‌گوییم دموکراسی، به این مفهوم است که در همه زمینه‌ها باید دموکراسی وجود داشته باشد. ما می‌خواهیم فضای جنگ را در پوهنتون از بین ببریم. فضای فعلی، متأسفانه هنوز فضای جنگ و فضای طالبانی است. ما می‌خواهیم این فضا را از بین ببریم، با پوشش مناسب، با رفتار و ظاهر محصلین. ما یونیفرم‌هایی را تیار کرده‌ایم که باید محصلین بپوشند. دریشی یک لباس پذیرفته شده در دنیا است، ولی از طرف ما اجبار وجود ندارد. اما استادان را تشویق می‌کنیم که محصلین را ترغیب کنند به پوشش مناسب که همان دریشی است.

● در مورد دختران چه؟

○ دختران هم باید لباسی مطابق با نورم‌های جهانی بپوشند. چادری یک پوشش کریه بوده است که زن‌های ما متأسفانه بر خود تحمیل کرده‌اند و این برای فضای پوهنتون مناسب نیست.

صحبت می‌کنند. حتی آن‌هایی که امروز در افغانستان از دموکراسی صحبت می‌کنند، اگر به نشرات و عملکردشان توجه کنید، شکل ایدئولوژیک دارد. علت هم این است که ساختار ذهنی ما دموکراسی نیست. یک ساختار دموکراتیک نیست. یک ساختار تقریباً استبدادی است که از تاریخ خود به ارث گرفته‌ایم. مدتی هم در بر می‌گیرد که ما بیاموزیم و تجربه دموکراسی را کسب کنیم، در قسمت انتخابات و همه این چیزها. بنابراین این دوره هم سیاسی و ایدئولوژیک است. در دوره چهارم من فکر می‌کنم بهتر است اگر افغانستان را بسازیم. باید دوره بازسازی را شروع کنیم.

● اگر ممکن است بفرمایید مشخصاً منظور شما از ایدئولوژی در این‌جا چیست.

○ کسانی که پیرو ایدئولوژی هستند، کوشش‌شان این است که حقیقت را در انحصار خود قرار بدهند. برنامه خاصی برای آینده افغانستان دارند. هدف معمولاً این است که یک انقلاب دیگر را در کشور پیاده کنند. اگر هدف چنین باشد، ما می‌گوییم که این حالت ایدئولوژی دارد و دموکراسی با ایدئولوژی اصلاً متفاوت است. اگر قرار باشد در افغانستان دموکراسی را پیاده کنیم، باید حتی الامکان از ایدئولوژی بپرهیزیم، برای آن که یک حالت جزمی دارد و این حالت را در ذهنیت انسان به وجود می‌آورد. یک حالت انحصاری را در جامعه ایجاد می‌کند. دسته بندی‌های سیاسی بسیار دگماتیک را در جامعه ایجاد می‌کند که خود نمی‌تواند به نفع دموکراسی باشد.

● چند سال است که ملت افغانستان با شعار ایدئولوژی جنگ‌ها کرده‌اند و ویرانی‌ها دیده‌اند. آیا می‌توان به این زودی به نفع دموکراسی از ایدئولوژی عبور کنیم و به دموکراسی برسیم؟ با توجه به این‌که همین اکنون افراد و احزابی با همین شعارها و بر مبنای ایدئولوژی فعالیت می‌کنند.

○ خوب باید ما از خود آغاز کنیم، آن ساختار ذهنی خود را تغییر دهیم. از ادارات خود آغاز کنیم. مثلاً ما در سطح وزارت تحصیلات عالی و در سطح دانشگاه‌ها انتخابات داشتیم. به استادها این حق را دادیم که رؤسای پوهنزی‌ها را خودشان انتخاب کنند. هم چنین در ساحة ادارات کوشش کردیم که توزیع قدرت از پایین آغاز شود نه از بالا. در نظام‌های سابق اگر شما متوجه باشید، توزیع قدرت بوده. همه چیز از مرکز قدرت آغاز شده. مهم این است که در تمام وزارت خانه‌ها - اگر می‌خواهیم به طرف دموکراسی برویم - توزیع قدرت را آغاز کنیم. کارها آهسته آهسته از پایین آغاز شود، تا در مرحله نهایی بیاید پیش وزیر. وزیر همه دوسیه‌ها را ببیند، بعد تأیید کند. این بسیار مهم است برای دموکراسی که شخص از خود آغاز کند، از اداره خود آغاز کند. یک توازن را ما ایجاد کنیم، توازن جنسیتی. ما اگر بخواهیم در افغانستان دموکراسی داشته باشیم، نمی‌توانیم پنجاه فیصد جامعه یعنی زنان را فراموش کنیم، حق رأی‌شان را فراموش کنیم. وقتی ما صحبت از دموکراسی می‌کنیم، دموکراسی در اواخر قرن بیستم آغاز شد و در اواخر قرن بیستم بود که مثلاً در اروپا زن‌ها صاحب حق رأی شدند. یک جامعه وقتی می‌تواند از دموکراسی صحبت کند که این نصف جامعه حق داشته باشند در آن شرکت کنند، حق داشته باشند که رأی بدهند و در صدر ادارات قرار بگیرند. فکر می‌کنم این شرط اساسی دموکراسی است.

● اگر کمی خاص‌تر صحبت کنیم، در حیطه وظایف شما یعنی وزارت تحصیلات عالی چه گام‌های مثبتی برداشته شده که شما به

